

## ابعاد و شیوه‌های قدرت نرم قرآن در هدایت انسان

شهاب‌الدین ذوفقاری؛ محمدحسن صانعی‌پور<sup>۲</sup>؛ سید محمود محقق مطلق<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه معارف قرآن و تفسیر، دانشگاه معارف قرآن و عترت.

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور.

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، واحد مرکزی.

### چکیده

خداوند متعال در قرآن کریم فضایی را فراهم می‌نماید تا پیامبر اکرم(ص) در مسیر هدایت انسان به بالاترین حد قدرت نرم و نفوذ بر قلوب دست یابد. این هدایت با توجه به ویژگی‌های جامعه جاهلی عصر نزول قرآن و فقدان جلوه‌های قدرت سخت پیامبر اسلام(ص) اهمیت دارد. در این مقاله بر آنیم تا با نگاه تحلیلی- توصیفی و با بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از الگوی قدرت نرم و شاخصه‌های حاکم بر شکل‌گیری آن، شیوه‌های بیانی قرآن را در ایجاد قدرت نرم نبوی بررسی نموده و فرآیند هدایت جامعه جاهلی را بازکاوی نماییم. قرآن کریم جهت تأثیر در مخاطب و تقویت امت اسلامی به ابعاد سه گانه قدرت نرم یعنی فرهنگ، اقتصاد و سیاست توجه ویژه‌ای دارد. با توجه به حاکمیت زر و زور و خشونت بر جامعه جاهلی عصر نزول، به کارگیری مقولاتی هم چون اقامه براهین عقلی، گفتمان نیکو و جدال احسن حیا و ادب بیانی در قرآن کریم باعث ایجاد قدرت نرم و موفقیت پیامبر اسلام(ص) و هدایت جامعه خود گردید.

**واژگان کلیدی:** قرآن، هدایت، قدرت نرم،

## مقدمه

قرآن کریم بهترین راه را برای هدایت انسان ارائه نموده است؛ چرا که روح انسان را به نیکوترین روش رشد داده و دستیابی به معرفت و حکمت عملی را پیش روی او قرار می‌دهد؛ زیرا عالی‌ترین شیوه هدایتگرانه آن است که رهنمود علمی در کنار رهبری عملی قرار گیرد. آنچه مسلم است، پیامبر اکرم (ص) در جامعه عصر نزول با ویژگی‌ها و شاخصه‌های جاهلی مبعوث گردیده است. جامعه‌ای که در آن صاحبان قدرت و رؤسای قبیله‌های قدرتمند با بهره‌گیری از جلوه‌های قدرت سخت؛ همچون، مکانت مالی، تجهیزات جنگاوری (اسب، شتر و شمشیر)، نیروی انسانی و جنگاوری قبیلگی و خویشاوندی، حاکمان بلامنازع صحرای حجاز بودند و با تکیه بر این قدرت‌ها یکه تازی می‌کردند.

مسئله اساسی ما در این پژوهش این است که پیامبر اسلام (ص) که فاقد این جلوه‌های مذکور بودند؛ چگونه و با تکیه بر چه قدرتی در این جامعه، ابلاغ رسالت و بعثت کردند و در مسیر هدایت انسان‌ها موفق و پیروز شدند. ما بر این باوریم که نظریه قدرت نرم و الگوی ارائه شده در این نظریه، می‌تواند فرآیند تأثیرگذاری و نفوذ آیات قرآنی در جامعه جاهلی و غلبه معجزه بیانی پیامبر اسلام (ص) را بر تمام قدرت‌های عصر جاهلی، تبیین نماید. در این مقوله جایگاه قرآن کریم در رسالت نبوی و هدایت گری قرآن در بعد قدرت نرم ترسیم می‌شود.

جنبه نوآوری این پژوهش این است که در این تحقیق نگارنده سعی دارد مفهوم سیاسی قدرت نرم را به مفهوم دینی - قرآنی آن منطبق نموده و بیان نماید که نتیجه بازکاوی قدرت نرم در هدایت انسان، نفوذ در مخاطب و هدایت او بدون اجبار یا تطمیع است. پیامبر اکرم (ص) هم با تکیه بر این قدرت نرم، در جامعه جاهلی عصر نزول توانست ابلاغ رسالت نماید و در مسیر هدایت انسان‌ها موفق شود. طرح گفتمان قدرت نرم افق تازه‌ای را در بحث هدایت مطرح ساخته است.

## در این مقاله تلاش می‌شود تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود.

۱) الگوی ارائه شده در نظریه قدرت نرم چگونه می‌تواند فرآیند تأثیرگذاری و غلبه معجزه بیانی قرآن را بر تمام قدرت‌های سخت عصر جاهلی تبیین نماید؟

۲) قرآن کریم چگونه از ابعاد سه گانه قدرت نرم یعنی فرهنگ، اقتصاد و سیاست جهت تأثیر در مخاطبین و جذب قلوب و تقویت امت اسلامی استفاده می‌کند؟

۳) قرآن کریم از چه مقوله‌هایی در هدایت جامعه اسلامی و ایجاد قدرت نرم استفاده می‌کند؟

پژوهشگران سیاسی، تعریف‌های گوناگونی از قدرت نرم ارائه کرده‌اند. مفهوم قدرت نرم، برای اولین بار توسط ژوزف نای در دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح شد. قدرت از نظر نای عبارت است از: «توانایی کسب نتایج دلخواه بدون اینکه مردم را مجبور کنیم رفتار خود را به واسطه تهدید یا تطمیع تغییر دهند». قدرت نرم از دیدگاه او بر «جاذبه» و «قابلیت شکل دادن به علایق دیگران» متکی است. وی قدرت نرم را کلیه اقداماتی می‌داند که موجب می‌شود تا زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری یک نظام سیاسی در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی در عوامل تعیین کننده هویت ملی یک کشور گردد. وی معتقد است قدرت نرم، ابزاری غیرمستقیم برای جذب یک بازیگر است به گونه‌ای که بدون بکارگیری زور، منطبق با خواسته‌های بازیگر عمل کند. مفروض در قدرت نرم این است که بازیگران باید توانایی جذب مخاطبین را به طرف دیدگاه خود داشته باشند تا نیاز به استفاده از منابع پر هزینه قدرت سخت کاهش یابد. قدرت جذب متشکل از دو عنصر است: «تدوین دستور کار» و «جذابیت» لازم به ذکر است که قدرت نرم

مرادف معنی نفوذ نیست؛ زیرا با قدرت سخت، تهدید یا پاداش هم می‌توان نفوذ را ایجاد کرد ولی قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی دادن مردم از طریق استدلال می‌باشد (نای، ۱۳۸۹: ۴۴).

روش ما در این مقاله روش تحلیلی - توصیفی با بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای از نوع میان رشته‌ای است. بر این اساس با بهره‌گیری از مدل و الگوی نظریه قدرت نرم که در علوم سیاسی تعریف و تبیین شده است؛ سعی بر آن داریم تا جلوه‌های رسالت پیامبر اسلام (ص) و راز و رمز پیروزی و موفقیت آن حضرت را با محوریت هدایت انسانی جامعه جاهلی عصر نزول واکاوی نماییم.

## معنای هدایت

هدایت از نظر لغوی از ماده هدی (بفتح اول و ضم آن) به معنی ارشاد و راهنمایی از روی لطف و خیرخواهی است. و در مواردی مثل «فَاهِدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ» (صافات: ۲۳) که گفته شود، بنا بر تحکّم است. اهتداء به معنی هدایت یافتن و قبول هدایت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳۵) و (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۴۵).

مفهوم هدایت یافتن در آیه نمایان است «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ»؛ بگو: ای مردم! حق از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که هدایت یابد به سود خویش هدایت می‌یابد (یونس: ۱۰۸). بر اساس این آیه برقراری ارتباط خاص میان موجود و آینده کمالی آن را، هدایت گویند. هدایت، «تعیین کمال مناسب یک شیء و راه رسیدن به آن است. پس هر موجودی که کمال او عین ذاتش نیست، به هدایت نیازمند است و در کمال مناسب خویش محتاج به مکمل؛ خواه همراه با کمال آفریده شده باشد یا با پیمودن راه تکامل و خروج از قوه به فعل به آن برسد» (قوامی شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶: ۳۳۴).

## ۱- مولفه های هدایت قرآن در ایجاد قدرت نرم

مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم، سه بعد فرهنگ، اقتصاد و سیاست است (بیگی، ۱۳۸۸: ۴۶). این سه مؤلفه، مورد توجه قرآن کریم است.

### ۱-۱- مولفه فرهنگی

فرهنگ از جمله مهم‌ترین و در عین حال پرکاربردترین مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود؛ چنانکه ریموند ویلیامز «بر این باور است که کلمه فرهنگ یکی از پیچیده‌ترین واژه‌ها است؛ چرا که به عنوان مهم‌ترین مفهوم در چند رشته علمی متفاوت و در نظام‌های فکری متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ردّ پای استفاده از این مفهوم توسط متفکرین و اندیشمندان، از متون فلسفی، تاریخی و مذهبی کهن تا مباحث علمی معاصر مشهود است و سیر توجه عمیق و دقیق به این مفهوم روندی رو به گسترش دارد. توجه به ساحت معنایی زندگی بشر و تلاش برای شناخت ابعاد مختلف آداب، سنن و مفاهیم معنابخش به زندگی اجتماعی انسان از جمله دغدغه‌های پژوهشگران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی است. لذا فرهنگ، واژه‌ای است که می‌توان تا چهارصد تعریف برای آن یافت (ویلیامز، ۱۳۸۹: ۲۶).

فرهنگ، رکن هر تحوّل بنیادین در فرد و جامعه است. قرآن، عناصر مثبت فرهنگ عرب را، که ریشه در ادیان ابراهیمی و اساس صحیحی داشته، پذیرفته و آنها را پیرایش و اصلاح کرده و تکامل بخشیده است. برای مثال در احکام، مسأله حجّ ابراهیمی، لعان و در عقاید، اعتقاد به جن، سحر و مانند آن پذیرفته و تصحیح کرده است.

از جمله نمونه‌هایی از نفی خرد فرهنگ‌های عرب جاهلی که زیربنای جامعه مشرکان بود و قرآن آنها را از طریق قدرت نرم تغییر داد و آن را به سمت فرهنگ صحیح هدایت نمود، عبارتند از: کشتن نوزادان دختر (نحل: ۵۸-۵۹)، طواف بدون لباس (اعراف: ۲۸)، تکبر و تفاخر (تکواثر: ۱)، کشتن نوزادان به خاطر فقر (انعام: ۱۵۱)، پسر خوانده (احزاب: ۴)، شفاعت بت‌ها (یونس: ۱۸)، شیطان‌پرستی (یس: ۶۰)،

مادی‌گری (جائیه: ۲۴)، شریک قائل شدن برای خدا (بقره: ۱۶۵)، تعدّد نامحدود زوجات (نساء: ۱۰)، ازدواج با نامادری (نساء: ۲۲)، دوری جستن از زنان در حال قاعدگی (بقره: ۲۲۲) و ... (رضایی اصفهانی، بی‌تا، ج ۲: ۵۸).

وقتی فرهنگ یک کشور دارای ارزش‌های انسانی شود و بنیاد سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک انسانی شکل دهد، احتمال اینکه نتایج مطلوب (با هزینه اندک و مبتنی بر قدرت نرم) تحصیل شود، افزایش می‌یابد. افزایش این احتمال به خاطر رابطه‌ای است که چنین فرهنگی بین جاذبه‌ها<sup>۱</sup> و وظایف<sup>۲</sup> ایجاد می‌کند. رسالت پیامبر (ص) در تبیین احکام، اخلاق و اعتقادات بر پایه «جاذبه‌ها و وظایف» استوار بود.

قرآن کریم، در این بعد هدایت انسان، با دعوت به کرامت در او قدرت نرم ایجاد می‌کند. دعوت به کرامت آنچنان در قلب‌ها تأثیر می‌گذارد که توجه انسان را از دنیا و مظاهر پست دنیوی به سوی ارزش‌های والای الهی رهنمون می‌سازد. پیامبر (ص) در این باره فرمود: «لَا تُمِمَّ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ»؛ همانا من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاقی را تکمیل نمایم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۱۰).

رسیدن به کرامت نفسانی، در انسان قدرتی ایجاد می‌کند که بدون زور و اجبار هدف خلقت خود که رسیدن به قرب الهی است را دنبال کند و با اختیار درونی و انتخاب آگاهانه، موانع را از سر راه خود بردارد و این جلوه‌ای از جلوه‌های قدرت نرم قرآن است. «تبعیت فرد در جامعه باید از نوع اختیاری و درونی باشد نه از نوع اجباری و بیرونی که در این صورت قدرت نرم مستمر و پابرجا خواهد ماند» (شارپ، ۱۳۸۹: ۱۵ و ۹۱).

از دیگر اهداف فرهنگی قرآن در ایجاد قدرت نرم می‌توان به بیان آثار عبادات فردی در تولید قدرت نرم اشاره کرد. از آنجا که احکام اسلام علاوه بر اتقان و استواری، هماهنگ با فطرت انسان است، بیان آثار عبادات فردی در قرآن، در مکلف اشتیاق به سوی انجام آن عمل عبادی ایجاد می‌کند به گونه‌ای که تحت تأثیر این جاذبه و نفوذ، نسبت به انجام عمل عبادی، پذیرش قلبی حاصل کرده و با تحمل مشقت‌ها و رنج‌های فراوان، آن را به آسانی انجام می‌دهد. مهم‌ترین پشتوانه قدرت نرم قرآن این است که تعالیم دین اسلام مطابق با فطرت انسان می‌باشد و به همین دلیل به راحتی گسترش می‌یابد. در جایی در مورد پرداخت زکات می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی و برایشان دعا کن! زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست (توبه: ۱۰۳).

آیه خطاب به رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: هنگامی که مؤمنین زکات می‌پردازند برای آنها دعا کن! و این می‌رساند که حتی در برابر انجام وظایف واجب باید از مردم تشکر و تقدیر نموده و به آنها درود فرستاده شود و آنها را از طریق معنوی و روانی تشویق نمود. در روایت می‌خوانیم که وقتی مردم زکات خود را خدمت پیامبر (ص) می‌آوردند ایشان با جمله «اللهم صلّ علیهم» به آنها دعا می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۱۸). «سکن» حالتی است که دل را راحتی و آرامش می‌بخشد و منظور این است که نفوس مؤمنین به دعای پیامبر (ص) سکونت و آرامش می‌یابد و این خود از مساعی ایشان است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۵۱۲). دعای (ص) سبب رحمت و ثبات و استقامت مؤمنین و آرامش روحی آنهاست (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۱: ۲۰۲).

نمونه دیگری از آموزه‌های قرآن به عنوان مولفه فرهنگی تأثیر گذار بر رفتار مسلمانان در آیه شریفه زیرنمایان می‌شود «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا دِينَ أَبِي بَكْرٍ وَآلِهِ وَدِينِ هَاشِمِ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ الَّذِي كَانَتْ رِجَالُهُ عَلَى نَاصِيَةِ الْكِبَرِ»؛ پس نماز را برپا دار و زکات را بپرداز و به خدا تمسک جوید. او سرپرست و یاور شماست؛ چه خوب سرپرست و یآوری و چه نیکو یاری دهنده‌ای است (حج - ۷۸).

۱. Attraction.

۲. Duty.

در این آیه شریفه مؤمنین را به جهاد، اقامه نماز و پرداخت زکات دستور می‌دهد و همگی اینها را اعتصام به حبل الله می‌داند و اینکه بهترین سرپرست و یاری دهنده خدای تعالی است تا بدین طریق مؤمنین را تحت تأثیر و نفوذ قرار داده و دل آنها را آرام نموده و قدرت نرم ایجاد کند.

برخی مفسرین معتقدند در جهاد و اقامه نماز و پرداخت زکات، انسان باید به خداوند اعتماد کند؛ زیرا بهترین سرپرست و حافظ و یاری دهنده خدای متعال است. به گونه‌ای که اگر خداوند اراده نماید تا رحمت خویش را به بنده‌ای برساند هیچ مانعی برای او نخواهد بود (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۴۷۲).

## ۱-۲- مولفه اقتصادی

هدایت اقتصادی قرآن و طرح و برنامه‌ریزی دقیق و حل مسائل پیچیده آن، جزء برجسته‌ترین علوم به شمار می‌آید؛ لیکن ارزش هر علمی به ارزش معلوم آن است. لذا اقتصاد در فرهنگ قرآن روبنا است نه زیربنا؛ زیرا آنچه از حقیقت روح انسان جداست، کمال انسان نیست بلکه وسیله رفع نیازهای طبیعی اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۴۵). پیامبر (ص) به‌جا آوردن نماز و روزه و فرائض دینی را مبتنی بر اقتصاد صحیح می‌داند (کلینی، ۱۴۰۲، ج ۵: ۷۳). قدرت نرم قرآن در هدایت اقتصادی بر پایه قسط و عدل می‌باشد که رسم کننده همه خطوط دینی است. لذا هم از افراط مبتلایان به انبوه مال می‌کاهد و هم تفریط گرفتاران به اندوه فقر مالی را کاهش می‌دهد. امام علی (ع) فریاد در برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان را عهد و پیمان خداوند از علما می‌داند (نهج البلاغه، خطبه ۳).

اطلاع از برنامه‌های اقتصادی دشمنان اسلام و آگاه کردن مسلمانان از ترفندهای منافقین از دیگر جلوه‌های قدرت نرم اقتصادی قرآن است. «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» آنان کسانی‌اند که می‌گویند به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق نکنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند (منافقون: ۷).

مفسرین در شأن نزول این آیه گفته‌اند که عبدالله بن ابی سرکرده منافقین گفت: مهاجرینی که از مکه به مدینه آمدند را یاری رساندیم، اکنون بر علیه خود ما قیام کرده‌اند و گفت: به مهاجرینی که نزد پیامبر (ص) هستند انفاق نکنید تا در فشار اقتصادی قرار گیرند و پراکنده شوند. در این هنگام بود که آیه نازل شد (طبرسی، بی‌تا، ج ۷: ۸۷۵).

از سوی دیگر می‌توان این امر را مقابله با تهدید نرم منافقین به حساب آورد؛ زیرا افشاگری قرآن از جلسات سرّی منافقین و یهود، خود نوعی قدرت نرم قرآن در مقابله با تهدید نرم آنان است. با توجه به آنکه همواره از سوی دشمنان اسلام تهدید نرم صورت می‌گیرد، بیان برنامه اقتصادی منافقان و ایجاد آگاهی در این باره جامعه اسلامی را در مقابل این تهدید نرم مقاوم می‌نماید (مرادی، ۱۳۸۹: ۴۶).

## ۱-۳- مولفه سیاسی

اگر بستر رشد دو مقوله فرهنگ و اقتصاد در جامعه فراهم شود اما در سیاست‌گذاری‌ها تدبیر امور و مدیریت کلان اجتماعی نقص داشته باشد و حاکمان از عقل سلیم در تنظیم نقشه‌های راهبردی بهره نبرند؛ تمام تلاش‌های آنان بی‌ثمر خواهد ماند. بر این اساس مدیران سیاسی جامعه و عاملین قدرت نرم، نقشه راهی را ترسیم نموده و تلاش می‌کنند تا جامعه و مخاطبان خود را بدین نقشه راه و مسیر راهبردی هدایت کنند. در همین راستا قرآن کریم نقشه راه هدایت مخاطبان خود را ترسیم می‌کند و تلاش می‌کند تا با بیان وحیانی و تأثیر شگرف خود، مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهد. خروج از ظلمات و تاریکی و نورانی ساختن فرد و جامعه از جمله نقشه‌های راهبردی قرآن است تا مخاطبان قرآن از فضایل انسانی برخوردار گردند.

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ در حقیقت موسی را با آیات خود فرو فرستادیم و به او گفتیم که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور (ابراهیم: ۵).

شاخص ترین اقدام حضرت موسی در نورانی ساختن بنی اسرائیل تشکیل حکومت حق و عدل و نبرد با سیاست باطل فرعون و تلاش در تأسیس حکومت عدل الهی که از جانب خداوند متعال به عنوان یک شاخص در رفتار پیامبرانه حضرت موسی گنجانده شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۵۲) تا قدرت نرم این پیامبر در مواجهه با قوم خود باشد.

از دیدگاه قرآن کریم از جمله مباحث تأثیرگذار در سیاست جوامع اسلامی و ترغیب مسلمانان بر قیام علیه ظالمان می توان از استقلال و عزت جامعه اسلامی (مائده: ۵۴)، عدم تسلط کافران بر مسلمانان (نساء: ۱۴۱)، تئوری حکومت خدا و اولیای خدا بر مردم (انعام: ۵۷)، نپذیرفتن ولایت اهل کتاب و معرفی الگوهای ولایت بر مردم (مائده: ۵۵) نام برد.

رهبران سیاسی جهان از مدت ها پیش به قدرت حاصل از جاذبه پی برده اند. اگر مدیری بتواند مخاطب را متقاعد کند که پیروانش آنچه که او می خواهد انجام دهند دیگر نیازی به استفاده از قوای قهریه و قدرت سخت وجود ندارد (نای، ۱۳۸۹: ۴۵). توجه به این نکته مهم در قرآن کریم نیز مشهود است. در قرآن خطاب به پیامبرش می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. (آل عمران: ۱۵۹).

رسول گرامی اسلام قبلاً هم همین طور رفتار می کرده و جفای مردم را با نرم خویی و عفو و مغفرت مقابله می نموده و در امور با آنان مشورت می کرده است، به عنوان مثال اندکی قبل از وقوع جنگ با آنان مشورت می کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۵۹).

امام علی (ع) می فرماید: «أَلَةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ»؛ وسیله رهبری، گشادگی سینه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۴۰). سیاست های حکومت می تواند قدرت نرم را تقویت یا تضعیف کند، سیاست های داخلی و خارجی که متکبرانه و بی توجه به آرای دیگران و یا پیرو یک روش تنگ نظرانه و یا مزورانه باشد؛ در کاهش قدرت نرم مؤثر است (نای، ۱۳۸۹: ۵۶).

تعبیر استعاره «اربرت ماندل» یعنی هویت سیاسی - فرهنگی در خصوص تغییر در ماهیت سیاسی جوامع و فرهنگی شدن آنها در دوران پس از جنگ سرد، در حوزه مطالعات امنیتی دارای پیامدهای بسیاری است. وی در مقام توضیح این پیامدها نسبت به ارائه تعریف یک بُعد مستقل و خاص برای امنیت با عنوان «بُعد سیاسی - فرهنگی» اقدام می ورزد که به تعبیر وی بُعدی مهم، حساس و در عین حال پیچیده و مبهم است که آینده مطالعات و معادلات امنیتی را در عصر جدید رقم خواهد زد (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۵۸). در ادامه ابزار و شیوه های اصلی قرآن، در شکل دهی به قدرت نرم را با محوریت هدایت مخاطبان قرآنی، تعریف و تبیین می کنیم.

## ۲- ابزارهای قدرت نرم قرآن در مقوله هدایت

هدف اصلی از نزول قرآن کریم امر هدایت مخاطبان از گمراهی است. بر این اساس خداوند متعال محور تأثیرگذاری بر مخاطب یا همان اعمال قدرت نرم قرآن را در مسیر شکل گیری این هدف قرار می دهد و شاکله فرآیند تأثیرگذاری از یک طرف و تأثیرپذیری و پذیرش مخاطبان را از طرف دیگر در مسیر تحقق هدایت آنان قرار می دهد. در اینجا به مجموعه شیوه های قرآنی در تخطاب انسانی و در جهت تحقق این هدف پرداخته می شود تا با بهره گیری از مدل قدرت نرم، جلوه های اعجاز بیانی قرآن بیش از پیش نمایان شود.

### ۲-۱- اقامه براهین عقلی

خداوند متعال با بکارگیری شیوه اقامه براهان عقلی بر گمشده های انسان دوران جاهلیت انگشت می گذارد و جلب توجه می نماید. واژه «برهان» در لغت به معنای بیان حجت و وضوح آن می آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۱). برهان، دلیل محکمی است که مطلب را به ثبوت

می‌رساند و طرف مقابل در برابر آن درمانده و ناتوان می‌شود؛ زیرا مقدمات آن بر امور یقینی و عینی استوار است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ»؛ ای مردم! در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است (نساء: ۱۷۴).

در این آیه منظور از برهان وجود نبی اسلام و منظور از نور مبین، قرآن است؛ زیرا قرآن ظلمات جهل و شرک و شک را برطرف می‌کند (واحدی، ۱۴۱۵، ق، ج ۱: ۳۰۴). براهین عقلی و استدلال و منطق، قدرت نرم ایجاد می‌کند و انسان را در مقابل تهاجم فکری دشمنان، مقاوم می‌کند. وجود استدلال باعث رسوخ ایمان در مؤمن گردیده و اطمینان و آرامش خاص به او می‌دهد.

براهین قرآن به گونه‌ای است که هم برای عالمان و هم برای غیر عالمان از مردم عامی قابل استفاده است. لذا قدرت نرم ناشی از این شیوه در کل جامعه از خواص و عالمان جامعه جاهلی گرفته تا عوام آن‌ها را در بر می‌گیرد. در همین راستا در برهان‌های قرآنی نباید اسلوب‌ها و روش‌های معمول در فلسفه و کلام را جست‌وجو کرد، بلکه این برهان‌ها سبک خاص خود را دارد. برهان‌های علمی همچون برهان تمنع (انبیاء/۲۲)، برهان نظم (ابراهیم/۱۰)، برهان امکان و وجوب (فاطر/۱۵)، برهان امکان اعاده (یس/۷۸-۷۹) برای اثبات وجود خداوند و وحدت او و همچنین اثبات معاد به ساده‌ترین و زیباترین شکل ممکن مطرح گردیده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۹). محصول تفکر برهانی برای دیگران آموختنی و انتقال‌پذیر است.

لذا قرآن کریم ضعف‌های مربوط به حکمت نظری را با برهان عقلی شفا می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۶۶). این ویژگی نیز از امتیازات قرآن به حساب می‌آید که مطالب علمی و مستدل را با زبانی ساده بیان می‌دارد تا قدرت انتقال مفاهیم و در نتیجه جذب مخاطبان بیشتری را به دنبال داشته باشد.

## ۲-۲- گفتمان نیکو (جدال احسن)

جدال؛ یعنی ایجاد زمینه پذیرش در مخاطب گفت‌وگو، که از شیوه‌های مؤثر و پذیرفته شده عقلی است. در مواردی که مخاطب، حتی باور خویش را ارج نمی‌نهد و ارزش‌های پذیرفته خویش را نادیده می‌گیرد، با یادآوری باور مخاطب، وی را متوجه فاصله‌گیری از باورهایش نموده، زمینه هدایت او فراهم می‌شود. این گونه محاوره، جدال نامیده می‌شود که در آن از مقدمات مسلم در نزد مخاطب، بهره گرفته می‌شود، حتی اگر او برای این باورهای خود ارزش عملی قائل نباشد (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۵۶). در جدال احسن، مجادله‌کننده علاوه بر نرمی سخن و مدارا، تا آنجا به دشمن نزدیک می‌شود که اتفاق نظر پیدا می‌کنند و بدون لجاجت و دشمنی، به کمک یکدیگر، حق را روشن می‌سازند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۱۳۷). این نوع جدال، مطلوب قرآن است و خداوند متعال از آن به عنوان ابزاری قوی در جهت تأثیرگذاری حداکثری بر مخاطبان بهره می‌گیرد و به آن نیز امر کرده است. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به (شیوه‌ای) که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به (حال) کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به (حال) راه‌یافتگان (نیز) دانتر است (نحل: ۱۲۵).

چرا که در آن، حق اثبات می‌شود و نیز مقدمات آن به گونه‌ای انتخاب می‌شود که نه تنها موجب اهانت به طرف مقابل و رنجش خاطر او نمی‌گردد، بلکه با جملاتی مؤدبانه و زیبا ادا می‌شود.

در مباحث قدرت نرم در هنگام غلبه بر قدرت مقابل، می‌توان با استفاده از مقبولات طرف مقابل وی را در مقابل منطق صحیح خود خاضع نمود. در قدرت نرم بدون استفاده از خشونت و زور می‌توان به هدف خود که همان ایجاد جاذبه و القای قدرت برتر است، دست یافت و این هدف زمانی محقق می‌شود که بتوان از طریق منطق مقابل، راهی را برای غلبه بر وی پدید آورد. نتیجه این نوع از غلبه، آن است که زمانی که از مقبولات رقیب استفاده شود، پایه‌های مقاومت وی از درون فرو می‌ریزد و قدرت دفاعی وی از او سلب می‌گردد. فرآیند تأثیرگذاری گفتمان نیکو و جدال احسن نیز از این منطق پیروی می‌کند.

این همان منطقی است که باعث گردید تا حضرت ابراهیم در هنگام پاسخ به سؤال قوم خود که چه کسی بت بزرگ را شکسته است از آن استفاده نماید و شکستن بت‌ها را به عهده بت بزرگ قرار دهد: «فَرَجَعُوا إِلَي أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ»؛ آن‌ها به وجدان خویش بازگشتند و (به خود) گفتند: «حقاً که شما ستمگرید!» پس (در مقابل حجت حضرت ابراهیم) همه سر به زیر شدند و گفتند: تو می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند! (انبیاء: ۶۴-۶۵).

### ۳-۲- بشارت و انذار

از دیگر روش‌های قدرت نرم قرآن کریم در هدایت انسان، آگاهی دادن است که گاه در لباس «انذار» و گاه در لباس «بشارت» جلوه‌گر می‌شود. تأثیر و کارایی روش انذار و تبشیر ریشه در ویژگی‌های روان‌شناختی انسان دارد یعنی انسان مانند سایر موجودات دارای شعور، به صورت طبیعی به سوی اموری گرایش دارد که برای او مایه لذت، منفعت، آسایش و رفاه هستند و از اموری روی‌گردان و متنفر است که برایش مایه درد، ناراحتی، سختی و مشقت است (داوودی، ۱۳۸۰: ۱۶۶). ارتباط انذار و تبشیر زمانی با قدرت نرم مشخص می‌شود که روشن شود که هر انسانی در اثر تبشیر و انذار قابلیت کنترل پیدا می‌کند به گونه‌ای که در اثر تبشیر میل او در قرار گرفتن در مسیر اصلاح بیشتر می‌گردد و اعمال و افعال صالح را بر می‌گزیند و در اثر انذار سعی می‌کند از مسیر صحیح جدا نگردد.

انذار و تبشیر، برای بشر ضروری است؛ شاید جهت «سبع المثانی» بودن قرآن این است که در قرآن کریم، تبشیر و انذار مقرون به یکدیگرند، یعنی از یک طرف بشارت و مزده و از طرف دیگر، انذار و اعلام خطر در دعوت است. این هر دو حکم باید توأم باشد، مبلغ تنها تکیه‌اش روی «تبشیرها» یا «انذارها» نباید باشد بلکه هر دو را باید به کار ببرد (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳۴). به همین دلیل سفیران الهی بدون استئنا با رسالت تبشیر و انذار برانگیخته شده‌اند. راز تفاوت تعبیر انذار و تبشیر آن است که قرآن، کتاب هدایت و رسول اکرم (ص) هادی امت است؛ ولی هسته مرکزی تبلیغ و هدایت همان انذار است و آیات تعذیب بیش از آیات تبشیر است و تشریح درکات جهنم بیش از تبیین درجات بهشت است. اگر شوق به بهشت و نعمت‌های آن مطرح باشد، توده مردم بر این باور می‌شوند که چرا لذات دنیایی نقد را برای خوشی نسیه آخرت ترک کنیم؛ اما وقتی انسان بداند که درون لذت گناه، آتش است از آن پرهیز می‌کند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «حَفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ»؛ آتش جهنم با شهوات نفسانی پیچیده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۷۸). این فضای آگاهی‌بخش و دانایی‌افزایی است که قرآن برای مخاطبان خود فراهم می‌کند تا با بالا بردن این آگاهی و دانایی، زمینه هدایت وی فراهم شود.

### ۴-۲- موعظه‌گری نیکو و نصیحت

اگر مباحث عقلی و استدلالی با مباحث عاطفی و احساسی گره بخورد و شعور و شور در یکدیگر تنیده شود، نفوذ بیشتری در مخاطب خواهد کرد و ماندگارتر خواهد شد.

موعظه، عبارت است از چیزی که موجب رقت و نرمی دل شده، آن را به سوی خدا و پذیرفتن حق مایل ساخته و از سرکشی، طغیان و عصیان باز دارد. بنابراین، موعظه نه تنها برای فهماندن مطلب، بلکه برای تأثر قلب و رام شدن آن نیز انجام می‌گیرد و سر و کار آن با دل است نه با عقل (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۷). خداوند از قرآن به عنوان هدایت و اندرزی برای پرهیزکاران، یاد می‌کند: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»؛ این (قرآن) برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است (آل عمران: ۱۳۸).

با آوردن مطالب احساسی، عواطف شنونده به طرف مطلب مورد نظر تحریک می‌شود و سپس آن مطلب القا می‌گردد. گاهی با یادآوری مهربانی و رحمت خدا و گاهی با یادآوری نعمت‌های بهشتی و گاهی با خطاب‌های محبت‌آمیز و گاهی با بیان مثل‌ها و قصه‌های زیبا و گاهی با دادن وعده‌های شیرین، عواطف شنونده تحریک شده تا مطلب را به خوبی درک کند و به آن ایمان آورد (جعفری، ۱۳۸۲، ج ۶: ۲۴۲).



## ۵-۲- جلب توجه و ایجاد سؤال

یکی دیگر از شیوه‌های قدرت نرم قرآن برای هدایت انسان جلب توجه مخاطب و ایجاد سؤال در ذهن اوست. در تبلیغات امروزی همین روش بزرگ نمایی یا ایجاد سؤال که قرآن کریم چهارده قرن پیش با ادبیات ویژه خود آن را پدید آورده، رایج است. سخنرانان گاهی به بعضی از کلمات که می‌رسند، آن را با صدای بلندتر و شدت بیشتری ادا می‌کنند تا اهمیت مضمون آن را به مخاطبان گوشزد کنند. یکی از ظرایف ادبی و هنری قرآن کریم برهم زدن عمدی نظم است تا توجه مخاطب را جلب و این سؤال را در ذهن او پدید آورد که چرا کتابی که سراسر آن فصیح و بلیغ است، نظم کلام را برهم زده است و مخاطب از این طریق به جست‌وجوی علت بپردازد و از معارف نهفته قرآن بهره‌مند شود؛ مثلاً خدای سبحان درباره شکر نعمت و کفران آن چنین می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید (نعمت) شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود (ابراهیم: ۷).

بر پایه نظم ظاهری باید گفته می‌شد: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ لَأُعَذِّبَنَّكُمْ»، ولی چنین نشد تا پس از جلب توجه و ایجاد سؤال، این نکته را مخاطب دریابد که زیادی نعمت برای شاكران وعده صریح قطعی است، اما عذاب پس از کفران، شاید در سایه رحمت الهی عفو شود. همچنین خلف «وعده» از خداوند قبیح است، ولی خلف «وعید» از خداوند قبیح نمی‌باشد، و شاید غضب خداوند به دلیل سبقت رحمت خدا بر غضب او واقع نشود (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۲۵).

## ۶-۲- حیا و ادب بیانی

محور و مدار بیان قرآنی بر ادب و حیا بنا شده است به گونه‌ای که هر مخاطبی جذب حیا و ادب بیانی قرآن می‌شود. در روایت آمده است که خدای سبحان با حیا سخن می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيٌّ كَرِيمٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷: ۲۰۰). قرآن کریم از الفاظ قبیح و مستهجن استفاده نمی‌کند، بلکه برای بیان معانی مستهجن، الفاظ کنایی را به کار می‌برد تا ادب محاوره رعایت شود که در هدایتگری نقش مؤثری دارد. قرآن کریم از این رهگذر، مخاطبان خود را به ادب هر چه بیشتر و حیای بجا دعوت می‌کند؛ مثلاً برای روابط زناشویی کلمات کنایی مانند «مس» یا «رفت» را به کار می‌برد. «مس» به معنای ارتباطی است که در لمس کردن چیزی ایجاد می‌شود و «رفت» به معنای تمایل عملی به زنان است. درباره تیمم بدل از غسل نیز می‌فرماید: «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»؛ یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید پس بر خاکی پاک تیمم کنید (نساء: ۴۳). لمس تعبیر کنایی از ارتباط زناشویی است، و گرنه لمس زنان غسلی ندارد. در احکام روزه نیز فرمود: «لَا حِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ»؛ در شب‌های روزه همخوابگی با زنان بر شما حلال گردیده (بقره: ۱۸۷)؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۲۰) قرآن کریم در چنین مواردی درس حیا می‌دهد و از کلمات کنایی استفاده می‌کند.

## ۷-۲- قصه‌گویی

قصه‌گویی در افزایش میزان تأثیرگذاری در مخاطب و ایجاد قدرت نرم بسیار مؤثر است. قصه‌های قرآنی از یک جهت، تمایز و تفاوتی بنیادی با دیگر قصه‌ها دارند و آن هدف و منظوری است که قرآن برای قصه‌گویی دنبال می‌کند. قرآن کریم به قصه‌گویی نپرداخته است برای این که یک روش تعبیر در موضوع خاصی را اتخاذ کرده باشد، بلکه ارائه داستان در قرآن کریم، مشارکت در اسلوب‌های بی‌شماری برای تحقق بخشیدن به اهداف و اغراض دینی است. بلکه می‌توان گفت: داستان از بهترین این اسلوب‌هاست (حکیم، ۱۳۸۴: ۳۶۳). قرآن کریم، داستان پیامبران و تاریخ امت‌های گذشته را نقل کرده؛ لیکن نه چون تاریخ‌نویسان و قصه‌پردازان بلکه فقط قسمت‌هایی از تاریخ را به صورت قصه بازگو می‌کند که به هدایتگری انسان مربوط می‌شود. قرآن کریم در قصه‌های خود، هر گاه سخنی را از کسی نقل کند، اگر باطل باشد، به گونه‌ای بطلان آن را بیان می‌کند و در صورتی که حق باشد، با بیان جمله‌ای تصدیق‌آمیز یا با تقریر همان مطلب، آن را گواهی می‌کند. عبرت آموزی و بیان سنت‌های الهی از دیگر ویژگی‌های قصص قرآن است (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۱۷).

قرآن کریم قصه‌گویی را، در موضوعات اثبات وحی و رسالت، وحدت ادیان و عقیده همه پیامبران، همانندی شیوه‌های دعوت و تبلیغ، پیروزی الهی و نهایی پیامبران، نشان دادن مصداق‌های خارجی برای تبشیر و تحذیر انبیا، الطاف الهی نسبت به انبیا، دشمن بودن شیطان و اهداف بعثت انبیا و اهداف دیگر تربیتی، دسته‌بندی کرده است و قصه را بهترین ابزار دانسته است (حکیم، ۱۳۸۴: ۳۷۱). بنابراین، می‌توان گفت یکی از پایه‌های اساسی قدرت نرم در قرآن مجید، بیان هنرمندانه گفتگو در قالب قصص است که در هدایت انسان همواره نقش بسزایی داشته است. چیزی که در قرآن تبدیل به روال عادی در تعلیم و تربیت شده است (جعفری، ۱۳۸۲: ۲۵۸).

## ۸-۲- تمثيل

تمثيل را می‌توان یکی از بهترین روش‌های بلاغی دانست که بیشترین تأثیر را در نفوس دارد و قدرت نرم ایجاد می‌کند. «تمثيل، ترسیم خیال است که در وهم، حالت تجسد پیدا می‌کند و شنونده یا بیننده را چنان تحت تأثیر قرار می‌دهد که گمان می‌کند شخصاً در معرکه، حضور دارد و حوادث را از نزدیک مشاهده می‌کند.» (مراغی، ۲۰۰۷: ۱۷). مثل، به منزله واعظی شیرین زبان و ناصحی مهربان است که افراد ملت را با لسانی ساده و بیانی دلچسب و ملایم به پیروی اخلاق حسنه و ترک اعمال نکوهیده دعوت کرده، اخلاق و افکار آن‌ها را به بهترین ترتیبی، تهذیب و تنویر می‌نماید. واعظ و خطیب، هر قدر شیرین سخن باشد ممکن است وعظ و خطابه، او در بعضی مستمعین، تولید کسالت و ملال کند، لیکن مثل از این نقص مبرا بوده و هر گوشه از شنیدن آن لذت می‌برد و هیچ کس از مطالعه آن خسته و دل‌تنگ نمی‌شود (ثواب، ۱۳۷۶: ۱۵). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ و ما در این قرآن برای هدایت مردم هر گونه مثل‌های روشن آوردیم باشد که مردم متذکر آن شوند (زمر: ۲۷).

کتابی که جهان شمول است، معارف فطری را با روش‌های متفاوت و در سطوح متعدد بیان می‌کند. با ذکر تمثيل، بسیاری از معارف بلند و والا را تنزل می‌دهد تا مردم در سایه اعتصام به مثل، بالا روند و از موعظه بهره‌مند شوند. این مثل‌ها با آنکه بسیار ساده‌اند؛ ولی فهم آنها به علم نیاز دارد تا وسیله‌ای برای نیل به تعقل تام آنها باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۱۰).

قرآن کریم در آیات بسیاری هم چون (بقره: ۱۷ و ۲۶۴)، (اعراف: ۱۷۶)، (رعد: ۱۷) و (فتح: ۲۹) از تمثيل استفاده کرده است و به تولید قدرت نرم می‌پردازد. درباره اثرات و بازتاب‌های تمثيل بابتی در کتب بلاغی باز شده است که در آن به بیان فواید، تأثیرات و کاربردهای آن پرداخته می‌شود. از جمله فوایدی که می‌توان برای تمثيل ذکر نمود، تأیید کلام، اثبات و دلیل بر کلام قبلی و زیباسازی کلام می‌باشد (مراغی، ۲۰۰۷: ۲۳۴).

برخی از روانشناسان یادگیری معنی‌دار را تقریباً با یادگیری از راه تمثيل برابر می‌دانند. برخی نیز معتقدند که استدلال از راه تمثيل، اساس هوش عمومی است و تنها از راه شناخت وجوه مشابه و تفاوت‌های یک چیز با چیز دیگر می‌توان آن را درک کرد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۱) قرآن چون حق محض است، همان گونه که در محتوا حق است، در نوع بیان نیز حق می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

## نتیجه‌گیری

- ۱- قرآن کریم از بستر هاو ابزارهای متنوع جهت جلب مخاطب و نفوذ در اذهان جامعه جاهلی استفاده می‌کند.
- ۲- قرآن کریم جهت تأثیر در مخاطب و جذب قلوب و تقویت امت اسلامی به مولفه های سه گانه قدرت نرم؛ یعنی فرهنگ، اقتصاد و سیاست توجه ویژه‌ای دارد.
- ۳- قرآن کریم در استفاده از فرهنگ برای ایجاد قدرت نرم، به اصلاح و تأیید فرهنگ، استفاده از فرهنگ موجود جهت هدایت بیشتر و تغییر خرده فرهنگ‌های جاهلی جهت اعتلای فرهنگ اسلامی و تثبیت آن در جامعه، عنایت خاصی دارد.
- ۴- قرآن کریم در تقویت بعد اقتصادی جامعه اسلامی مثل تشویق به کار و تلاش و ایمان به فضل و رحمت الهی، توجه ویژه‌ای دارد و با توجه به هدایت غریزه مال دوستی انسان، قدرت نرم ایجاد می‌کند. همچنین می‌توان دعوت به ساده زیستی و توجه دادن به جاذبه آن، گردش ثروت بین اغنیا و فقرا را از جاذبه‌های اقتصادی قرآن در تولید قدرت نرم برشمرد
- ۵- قرآن کریم راهکارهای زیادی جهت تولید قدرت نرم سیاسی در جامعه اسلامی دارد. از جمله: ترغیب مسلمانان بر قیام علیه ظالمان، تأکید بر استقلال و عزت جامعه اسلامی، عدم تسلط کافران بر مسلمانان، تئوری حکومت خدا و اولیا خدا بر مردم، نپذیرفتن ولایت اهل کتاب، معرفی الگوهای ولایت بر مردم، توجه به الگو قرار دادن انسان‌های کامل یعنی پیامبر و امامان معصوم
- ۶- قرآن کریم با اقامه براهین عقلی، توجه مخاطب را جلب کرده و در نتیجه قدرت نرم ایجاد می‌کند. چون مقدمات برهان بر امور یقینی و عینی استوار است. مطلب را به ثبوت رسانده و تأثیر در مخاطب می‌گذارد، لذا قرآن قدرت نرم براهین عقلی را در هدایت انسان تبیین می‌کند. محصول تفکر برهانی برای دیگران آموختنی و انتقال‌پذیر است.
- ۷- قرآن کریم، قدرت نرم گفتمان نیکو و جدال احسن را در هدایت انسان محور قرار می‌دهد. جدال احسن یعنی مجادله کننده با سخن نرم، مدارا و بدون لجاجت و دشمنی، زمینه پذیرش حق را ایجاد کند و در او تأثیر گذارد. در جدال احسن، از مقبولات رقیب استفاده می‌شود؛ به گونه‌ای که پایه‌های مقاومت وی از درون فرد می‌ریزد و قدرت دفاعی وی سلب شده و قدرت نرم برای هدایت او ایجاد می‌شود.
- ۸- قرآن کریم، شیوه قدرت نرم بشارت و انذار را در هدایت انسان، توأمان مؤثر می‌داند. بشارت با مژده دادن و انذار با ترساندن در انسان تأثیر می‌گذارد و قدرت نرم تولید می‌کند. به همین دلیل تمام سفیران الهی با رسالت تبشیر و انذار برانگیخته شده‌اند.
- ۹- شیوه موعظه و نصیحت نیز مدار بیانی قرآنی در هدایت انسان است. در موعظه و نصیحت مباحث عقلی و استدلالی با مباحث عاطفی و احساسی گره خورده، شور و شعور در یکدیگر تنیده شده و نفوذ بیشتر و ماندگارتری در مخاطب ایجاد می‌کند. موعظه به گوینده این امکان را می‌دهد که در ساختار شخصیتی متربی نفوذ کند و قدرت نرم ایجاد کند.
- ۱۰- از شیوه‌های دیگر قدرت نرم قرآن در هدایت انسان، جلب توجه و ایجاد سؤال است. یکی از ظرایف ادبی و هنری قرآن، بر هم زدن عمدی نظم کلام است تا بدین وسیله توجه مخاطب را جلب کرده و در ذهن او سؤال ایجاد کند تا از این طریق به جست‌وجوی علت بپردازد و از معارف نهفته قرآن بهره‌مند شود و هدایت گردد. قرآن کریم به جهت هدایت انسان از این شیوه برای ایجاد قدرت نرم بسیار استفاده می‌کند.

۱۱- از روش‌های دیگر قدرت نرم قرآن در هدایت انسان، حیا و ادب بیانی است، از آنجا که قرآن برای هدایت و سعادت انسان نازل شده است، از الفاظ قبیح و مستهجن استفاده نمی‌کند و با حیا سخن می‌گوید. استفاده از کلمات کنایی به جای کلمات صریح، قدرت نرم ایجاد می‌کند.

۱۲- قرآن کریم، با شیوه قدرت نرم قصه‌گویی، انسان را هدایت می‌کند. قصه‌گویی قرآن، ارائه الگویی مناسب جهت هدایت انسان است. قرآن با قصه‌گویی حق را از باطل جدا ساخته است. قصه‌های قرآن، اسطوره و افسانه نیست بلکه حقیقت است. قرآن در قصه‌گویی قهرمان قصه را نیز بازگو می‌کند و این امر سبب نفوذ بیشتر در مخاطب شده و قدرت نرم ایجاد می‌کند.

۱۳- از روش‌های دیگر قدرت نرم قرآن در هدایت انسان، تمثیل است. قرآن کریم با روش تمثیل بسیاری از معارف بلند و والا را تنزل می‌دهد تا انسان در سایه اعتصام به مثل، از حکمت سرشار شود. قرآن با استفاده از مثل، انسان را به جهان وسیع مُمَثَّل رهنمون ساخته و قدرت نرم ایجاد می‌کند.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی و عربی

۱. قرآن کریم، (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. نهج البلاغه، (۱۴۱۵ق)، تحقیق، صبحی صالح، بیروت، دارالاسوه.
۳. آمدی، عبدالواحد محمد تمیمی، بی تا، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. احمدی، حبیب الله، (۱۳۸۱ش)، پژوهشی در علوم قرآن، چاپ چهارم، قم، فاطیما.
۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۴۱۲ق)، التعليقات، تحقیق دکتر عبد الرحمن بدوی، چاپ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق)، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. بیگی، مهدی، (۱۳۸۸ش)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق ۷.
۸. ثواقب، جهانبخش، (۱۳۷۶ش)، تشبیهات و تمثیلات قرآن، تهران، نشر قو.
۹. جعفری، یعقوب، (۱۳۸۲ش)، سیری در علوم قرآن، چاپ سوم، تهران، اسوه.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴ش)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، هدایت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶ش)، قرآن کریم از منظر امام رضا ۷، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۲. حسینی زاده، علی، (۱۳۸۵ش)، نگرشی بر آموزش، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. حکیم، سید محمد باقر، (۱۳۸۴ش)، علوم قرآنی، ترجمه سردار شهابی، اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران.
۱۴. حنفی، عبدالمنعم، (۲۰۰۴م)، موسوعه القرآن العظیم، قاهره، مکتبه مدبولی.
۱۵. داوودی، محمد، (۱۳۸۰ش)، تربیت دینی، چاپ دهم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. داوری اردکانی، محمود، (۱۳۶۵ش)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، عطار.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیه.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۹۲ش)، قرآن و علم، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الا تاویل فی وجوه التأویل، بیروت، مصحح: مصطفی حسین احمد، دارالکتب العربی.
۲۰. سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دارالفکر.
۲۱. شارپ، جین، (۱۳۸۹ش)، قدرت نرم و عدم خشونت، ترجمه سید رضا مرزانی، تهران، دانشگاه امام صادق ۷.

۲۲. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. .... (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم حسین نوری همدانی، تهران، انتشارات فراهانی.
۲۵. طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.
۲۶. قوامی شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱م)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ش، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۹. ماندل، رابرت، (۱۳۷۷ش)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۰. مرادی، حجت الله، (۱۳۸۹ش)، قدرت و جنگ نرم، از نظریه تا عمل، چاپ دوم، تهران، نشر ساقی.
۳۱. مراغی، احمد مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دارالفکر.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۰ش)، قرآن شناسی، مؤسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی (ع)، قم.
۳۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷ش)، سیری در سیره نبوی، چاپ بیست و یکم، تهران، صدرا.
۳۵. .... (۱۳۷۲ش)، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (جامعه و تاریخ)، جلد ۵، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صدرا.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. ویلیامز، میشل سی، (۱۳۸۹ش)، جنگ نرم فرهنگی، درآمدی بر نسبت امنیت و فرهنگ، ترجمه مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۳۸. نای، جوزف، (۱۳۸۹ش)، قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه محسن روحانی / مهدی ذوالفقاری، چاپ سوم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۳۹. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۵ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دارالعلم.
۴۰. یاسوشی، واتانابه، مک کانل، دیوید، (۱۳۸۹ش)، آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت، ترجمه محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

#### ب) منابع انگلیسی

۱- Williams, Reymond, Culture. Fontana Press, 1981

۲- Nye, Joseph, Soft Power, The Means to Success in World Politics. New York: Public Affairs, 2004.

## ابعاد و اسالیب القدره الناعمه للقران فی هدايه الانسان

### الملخص

يعدّ الله تبارك و تعالى ظروفًا في القرآن الكريم حتى يحصل الرسول الاكرم (ص) في طريق هدايه الانسان على حد اعلى من القدرته الناعمه والسيطره على القلوب.

هذه الهدايه بالعنايه الى مميزات المجتمع الجاهلي حين نزول القرآن و عدم تجلّيات القدرته الصامده عند النبي الاعظم (ص) ذو اهميه. في هذه البحث نريد ان نقوم بدراسه اساليب القرآن البيانيه في انشاء القدرته الناعمه النبويه على اساس المنهج التحليلي و التوصيفي و من خلال طريقه المكتبه و مع الاستفاده من نموذج القدره الناعمه و موشرات الحاكم على تكونه و مناقش عمليه هدايه المجتمع الجاهلي مناقشه جيده.

القران الكريم يلتفت التفاته خاصه الى الوجود الثالاه في القدره الناعمه اي: الثقافه و الاقتصاد و السياسه، لاجل التأثير في مخاطب و تثبيت و تقويه الامه الاسلاميه. بالعنايه الى سيطره القوه و الذهب و العنف على المجتمع الجاهلي عند نزول القرآن، استخدام مقولات نحو: اقامه البراهين العقلية، المكالمة و المجادله الحسنی الحياء و الادب البياني في القرآن الكريم. اصبح سبب نشأ القدره الناعمه و توفيق الرسول الاعظم (ص) و هدايه مجتمعه.

الكلمات المفتاحيه: القرآن - الهدايه - القدره الناعمه - الاعجاز البياني



## **Aspects and Methods of the Quran's Soft Power in the Guidance of Mankind**

### **Abstract**

Allah, the transcendent, has provided an ideal opportunity in the holy Quran so that the holy Prophet can achieve maximum soft power and influence over the hearts of people. This guidance is of significance due to the characteristics of the pagan during the revelation of the holy Quran, and the lack of hard power effects of the Prophet of Islam. In this study, we aim to investigate the expressive styles of the Quran in creating the prophetic Soft power, and analyze the process of directing the pagan. To carry out the study, we adopt a descriptive-analytical method and the tool of library studies, patterns of soft power, and criteria governing its formation. To influence the audience and strengthen the Islamic community, the holy Quran pays special attention to the three dimensions of soft power, i.e., culture, economics and politics. Due to the governance of the gold, force and violence on the pagan at the time of revelation, the use of such categories as performing rational arguments, gentle discourse, pleasant dispute, and polite expression in the Quran created soft power, and the success of the Prophet in guiding his own community.

**Key words:** Quran, guidance, soft power, expressive miracle